



فلسفه جدید ما را به سمت تفکر بین فرهنگی می برد

دکتر محمد اصغری، استاد تمام گروه فلسفه در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه تبریز هستند...

نصر: دکتر محمد اصغری، استاد تمام گروه فلسفه در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه تبریز هستند. گروه فلسفه یکی از قدیمی ترین گروه های آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز است که اساتید برجسته ای مثل دکتر محمود نوالی، دکتر یحیی یثربی، دکتر قوام صفری و دیگر اساتید در آن تحصیل و تدریس کرده اند.

اکنون این گروه دارای هشت عضو هیئت علمی است و بیش از 200 دانشجوی در مقاطع مختلف تحصیلی در رشته فلسفه دارد و همچنین 6 گرایش فلسفه (فلسفه در مقطع کارشناسی، 3 گرایش فلسفه هنر و فلسفه غرب و فلسفه معاصر در مقطع ارشد 3 گرایش در مقطع دکتری فلسفه معاصر، فلسفه عصر جدید و فلسفه یونان و قرون وسطی) بوده و همچنین این گروه دارای یک مجله معتبر جهانی به نام پژوهش های فلسفی (Journal of Philosophical Investigations) که دکتر محمد اصغری سردبیر این مجله هستند.

دکتر محمد اصغری در نشست با محمد فرج پور باسمنجی از چاپ دوم کتاب خودش می گوید. که چکیده گفتگوی این نشست تقدیم دستداران فلسفه می شود.

کتاب درآمدی بر فلسفه های معاصر غرب نوشته دکتر محمد اصغری در 633 صفحه توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به قیمت 285 هزار تومان در اسفند 1401 روانه بازار کتاب فلسفی ایران شده است.

دکتر محمد اصغری، استاد تمام فلسفه دانشگاه تبریز، کتاب ها و مقالات متعددی منتشر کرده و نویسنده ای است که برای او نوشتن امری حیاتی و مهم در امر آموزش فلسفه است. او درباره نوشتن کتاب می نویسد: نوشتن کتاب برای یک نویسنده هم دشوار است هم آسان؛ دشوار است چرا که دغدغه فهم مخاطب از مطالب کتاب را دارد و اینکه تا چه حد موفق شده تصویری روشن و گویا از مطالب کتاب به ذهن خواننده اش منتقل کند و این خود یک بحث عمیق هرمنوتیکی و کاملاً فلسفی است و خود می تواند موضوع چندین کتاب باشد. آسان است چرا که خودش در سفر فکری قرار دارد و تجربه زیسته این سفر را روایت می کند و لذا گویی به گفته سقراط، البته از زبان دریدا، حقیقت در دیالوگ آشکار می شود ولی این مطالب که می نویسم دیالوگ نیست؛ بلکه کپی دیالوگ است یعنی نوشتار. پس من الان سخن خود را نقض کردم! البته باکی نیست این نقض نیست بلکه حسن است چرا که دوام دیالوگ به نوشتار است و این کار من را آسان می کند.

نویسنده این کتاب می گوید که سعی کرده ام به زبان روشن و گویا فلسفه های معاصر غرب را در قالب اندیشه های فیلسوفان برجسته برای خواننده ایرانی اعم از دانشجویان و اساتید برای تمامی عموم مردم که علاقه مند به فلسفه هستند بیان کنم. مکاتب و جریان های بانفوذ فلسفی مثل پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، هرمنوتیک، پست مدرنیسم، پراگماتیسم و فلسفه های تحلیلی و پسا تحلیلی را برای خواننده ایرانی به زبان گویا و روشن معرفی کنم. ایشان در ادامه می گویند که این کتاب حاصل 15 سال تدریس فلسفه های معاصر غرب در گروه فلسفه دانشگاه تبریز است که در مقاطع مختلف تحصیلی رشته فلسفه در قالب دروس فلسفی تدریس شده و اکنون بعد از سال 1399 اولین نسخه آن توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ و روانه بازار کتاب ایران شد و در همان سال اول مورد استقبال گسترده علاقه مندان به فلسفه و مباحث فلسفی قرار گرفت. این کتاب در سه بخش به بررسی و تحلیل فلسفه های اروپایی و آمریکایی پرداخته است. در سال 1401 نیز به چاپ دوم و ویرایش دوم رسید.

دکتر اصغری در ادامه به تفاوت چاپ اول و چاپ دوم کتابش اشاره می کند و می افزاید که در ویرایش دوم سه فیلسوف به جمع هجده فیلسوف نسخه اول اضافه شده و جمعاً بیست و یک فیلسوف در چاپ دوم گنجانده شده است. ایشان به اسامی این فیلسوفان اشاره می کند و می گوید که چارلز سندرس پیرس، جان سرل و هیلاری پاتنم سه فیلسوفی هستند که در نسخه جدید اضافه شده اند. همچنین در مقدمه کتاب به ریشه های فکری و فلسفی فلسفه های معاصر غربی اعم از اروپایی و آمریکایی اشاره کرده و معتقد است که پنج متفکر سهم مهمی در تکوین و شکل گیری فلسفه های معاصر مثل پدیدارشناسی، پست مدرنیسم، اگزیستانسیالیسم، فلسفه تحلیلی و فلسفه های پراگماتیستی آمریکایی دارند و آن پنج متفکر عبارتند از کانت، هگل، مارکس، نیچه و فروید.

او می افزاید در این کتاب سعی کرده ام نفوذ فیلسوفان بر اندیشه یک فیلسوف و نفوذ خود آن فیلسوف بر سایر فیلسوفان را بیان کنم. دلیل این کار این است که بتوان پیوستگی فکری متفکران را به آسانی رد یابی کرد. او در این کتاب به آینده فلسفه نیز اشاره کرده و قسمت آخر کتاب را با تیتراژ «آینده فلسفه» به پایان رسانده است.

نویسنده در این قسمت می نویسد: «با نگاهی به تحولات فلسفی در قرن بیستم می بینیم که جریان ها و مکاتب و جنبش های فلسفی اوایل قرن بیستم در اواخر قرن بیستم دچار دگرپسویی و پوست اندازی شدیدی شدند و حتی برخی از این جریان ها و مکاتب مثل اگزیستانسیالیسم تقریباً از صحنه فلسفی کنار رفتند. برخی دیگر از این جریان های فلسفی با نقدهای کوبنده

فیلسوفان پرورش یافته درون این سنت های فلسفی از آرمان های بلندپروازانه خود دست کشیدند. اگر بخواهیم مثالی بیان کنیم، حتماً باید به فلسفه تحلیلی اشاره کنیم. شاهدیم که فلسفه تحلیلی در دستان و ویتگنشتاین دوم و کواین و نیز دونالد دیویدسن به جریان پساتحلیلی با رگه های پراگماتیستی تبدیل شد. پراگماتیسم کلاسیک در دستان رورتی و پاتنم به روزرسانی شد و دیگر روش ها و مسئله ذهن در کانون توجه پراگماتیسم جدید قرار نگرفت و در عوض توجه به زبان و بی اعتمادی به علم گرایایی و روش علمی جایگزین آن ها شد. نسخه جدید پراگماتیسم با مبانی پست مدرنیستی و هرمنوتیکی توجه خود را به مسائل اجتماعی و فرهنگی بشر معطوف ساخته است.»

دکتر اصغری به تفکر نوظهور بین رشته ای و نقش علوم مختلف در تعامل با یکدیگر در شکل دهی زندگی بشر اشاره می کند و معتقد است اتفاق دیگری که در حال وقوع است این است که ظهور تفکر بین رشته ای و کم رنگ شدن مرزهای علوم و درهم تنیدگی علوم و رشته ها و ظهور اندیشه کل گرایانه در این نوع رشته ها نویدبخش آن است که تقدم و تأخر علوم که در فرهنگ گذشته امر مسلم تلقی می شد و غالباً علم فیزیک به عنوان علم برتر بین علوم تجربی دانسته می شد، اکنون و در آینده ای نزدیک نیز دیگر نقش اصلی را ایفا نخواهد کرد. در این میان فهم تفکر بین رشته ای یک فهم فلسفی است. فلسفه همواره در تغییر و تحولات علوم حضور پررنگی داشته و دارد و تفکر بین رشته ای اساساً تفکری فلسفی است تا علمی. امروزه فلسفه ذهن قرن بیستم در کنار علم اعصاب، زیست شناسی، علوم شناختی و هوش مصنوعی در روزگار ما خبر از فلسفه ذهنی دارد که نه تنها ماهیتی متفاوت با فلسفه ذهن سنتی دارد بلکه یافته های حیطه فلسفه ذهن معاصر عمده‌تاً ماهیتی کاربردی دارد که هوش مصنوعی و ربات های هوشمند از دل چنین فلسفه ای پایه عرصه هستی گذاشته اند. سوالات فلسفی سنتی اکنون در بستر تفکر بین رشته ای تنها ماهیتی متفاوت پیدا کرده اند بلکه جواب های این سوالات نیز بیش از آنکه یقینی باشد بیشتر آمیخته به احتمالات خواهند بود. به همین دلیل فلسفه آینده ما برای همیشه از جستجوی یقین، از جستجوی حقیقت عینی، از تقدم ذهن بر عین یا تقدم عین بر ذهن دست خواهد کشید و روش توصیف از سنخ پدیدارشناختی و هرمنوتیکی جای روش تبیین علی و معلولی و منطقی از نوع دو ارزشی P یا Q را می گیرد. اما کماکان پرسش های فلسفی مطرح خواهند شد که از یونان باستان تا امروز مطرح شده اند لیکن انتظار نخواهیم داشت که پاسخ های قطعی بیابند و از همه مهم تر اینکه گاهی صورت سوال ها عوض شده و می شوند. اگر زمانی پرسیده می شد که «علم بهتر است یا ثروت؟» اکنون معلوم شده که چنین سوالی بر اساس منطق دو ارزشی P یا Q بوده و ماهیت سوال استبدادی است و مخاطب را مجبور می کند یکی را انتخاب کند و حق انتخاب را از او سلب می کند. اما در مقابل این سوال، سوالی به شکل دموکراتیک مطرح می شود و آن این است «به نظر تو چه رابطه ای بین علم و ثروت است؟» پاسخ به این سوال به تعداد مخاطبان این سوال است و لذا به اندازه فهم هر کسی پاسخی به این سوال داده می شود. بنابراین، فلسفه در زمانه ما نسبت به زمانه گذشته خودش تساهل و مدارای بیشتر از خود نشان می دهد و دیگر ادعا نمی کند که دنبال حقیقت عینی و مطلق است بلکه با کنار گذاشتن این تلقی از حقیقت و استقبال از دیدگاه ها و منظرهای متفاوت نیچه ای و از خودش می رود هر چه بیشتر فضای تساهل و مدارا را در گفتگوی فلسفی بین انسانها در فرهنگ های مختلف جهانی مهیا سازد. امروز ما به سمت تفکر بین فرهنگی و دیالوگ فرهنگی می رویم. ما امروز تفکر مشرق زمین را از مکتب کیوتو تا مکتب شیکاگو و مکتب ماربورگ و مکاتب نوظهور در آمریکا و اروپا می توانیم ردیابی کنیم.

کتاب درآمدی بر فلسفه های معاصر غرب از هوسرل تا رورتی اکنون به عنوان کتاب درسی نیز در برخی از گروه فلسفه دانشگاه های ایران در مقاطع مختلف تحصیلی در رشته فلسفه تدریس می شود. مزید اطلاع علاقه مندان، ویراست دوم کتاب درآمدی بر فلسفه های معاصر غرب: از هوسرل تا رورتی توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با قیمت 200 هزار تومان در اسفند 1401 منتشر شد. علاقه مندان می توانند از طریق سامانه کتاب پژوهشگاه علوم انسانی <https://books.iics.ac.ir/> این کتاب را به راحتی تهیه کنند.